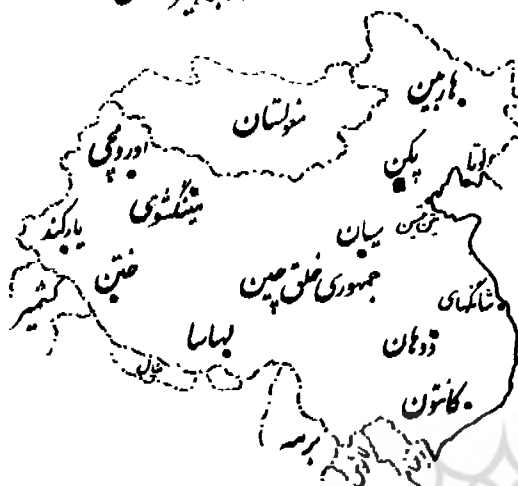


۴- مروری بر اوضاع و تحولات اقتصادی-بازرگانی چین

(۱)

اتحاد جماهیر شوروی



کشور چین با ۹۵۶۰۷۷۹ کیلومتر مربع وسعت (سومین کشور وسیع جهان) در نیمکره شمالی، نیمکره خاوری، در شرق قاره آسیا، در کنار دریا های ژاپن، زرد، چین شرقی و چین جنوبی واقع شده، و از شمال با کشورهای شوروی و مغولستان، از شمال شرقی کره شمالی، از غرب افغانستان و پاکستان و هند و شوروی، از جنوب غربی بوتان و نیپال و از جنوب برمه، لاوس و ویتنام مرز مشترک دارد.

آب و هوای چین با توجه به وسعت و نواحی مختلف آن، متغییر و متنوع بوده و بطور کلی در مناطق غربی آب و هوای خشک و در مناطق شرقی آن آب و هوای اقیانوسی و مرطوب حکم فرماست. مناطق غربی چین دارای زمستان های بسیار سرد و تابستان های بسیار گرم است. در شمال شرقی تا بستان ها معتدل و زمستان ها سرد، و در جنوب و مرکز نیز زمستان ها معتدل و تابستان های گرم حکم فرماست. پایتخت این کشور پکن است. بنا در مهم چین عبارتند از: شانگهای در کنار دریای چین شرقی، تین - تسین در کنار خلیج چیهلی، کانتون در کنار دریای چین جنوبی و لو تاکنار خلیج کره، حکومت این کشور کمونیستی است.

فعالیت احزاب در چین محدود بوده و احزاب آن که همگی در

جبهه متحد" عضویت دارند عبارتند از: کمیته انقلابی کومین تانگ،

اتحاددموکراتیک ، جامعهدموکراتیک برای تجدیدبنای ملی ، جامعه برای ایجاددموکراسی، حزب دمکراتیک کارگران وکشاورزان ، حزب آرمانهای مشترکه چیوسان (سومسپتامبر) ، اتحاددموکراتیک تایوانچین دارای ۳۵ ایالت است که بزرگترین آنها سینکیانگ در شمال غربی وبعداز آن تبت در جنوب غربی است و لوپن جمعیت ترین ایالات که در شرق و جنوب واقع شده اند ، عبارتند از ایالات کوانگتونگ (Kwang Tung) در جنوب چین که مرکز آن بندر کانتون است و فوکین (Fukien) در جنوب شرقی که مرکز آن "فوجو" است و کیانگ سو (Kiang su) در شرق که مرکز آن چین - کیانگ (Chinkiang) و کوانگ سی (Kwang si) در جنوب که مرکز آن نانینگ است ، این کشور در سال ۱۹۶۴ به عضویت سازمان ملل درآمد .

چین از ممالک قدیمی دنیا است که تا روز اول ژانویه سال ۱۹۱۲ میلادی حکومت سلطنتی بوده است . وقتی شورش ملی به رهبری دکتر "سون یات سن" از روز ۱۰ اکتبر ۱۹۱۱ میلادی آغاز شد ، سلطنت جای خود را به حکومت جمهوری داد و سونیات سن اولین رئیس جمهوری چین شد و در تمام این مدت و قبل و بعد از آن ، دو کشور چین و ژاپن با هم در حال جنگ بودند ، در جریان جنگ دوم جهانی با وجودی که در داخل کشور بین چینی های سرخ (کمونیست ها) و چینی های زرد اختلاف بود ، معینا هر دو دسته چینی ها با هم متحد شدند و علیه ژاپن تا سال ۱۹۴۵ میلادی که جنگ با شکست ژاپن تمام شد جنگیدند و سپس دوباره بین چین سرخ و چین زرد جنگ شد و این بار رهبر چین سرخ (مائوتسه تونگ) بر ژنرال چیانگ کای چک رئیس جمهوری چین که جانشین دکتر سونیات سن بود پیروز شد . چیانگ کای چک به جزیره فرمزینا هنده شد ، حکومت چین ملی را در آن کشور بوجود آورد و در چین اصلی حکومت جمهوری کمونیستی ایجاد شد .

سیستم اقتصادی چین از سه بخش عمده دولتی ، روستایی و تعاونی و خصوصی تشکیل شده است ، تا قبل از سال ۱۹۵۳ نظام اقتصادی این کشور سرمایه داری بوده و تعداد دکتیری از مردم به امر تجارت اشتغال داشتند ،

اما بعد از برقراری نظام سوسیالیستی در این کشور سرمایه‌های خصوصی افراد مصادره شده و تعداد زیادی از شرکت‌ها و موسسات خصوصی منحل شده و یا ملی گردیدند. در حال حاضر بنا بر سیاست‌های جدید، بخش خصوصی مجدداً "مورد حمایت قرار گرفته است و از سال ۱۹۸۰ شرکت‌های خصوصی بسیار شتاب‌گسترش یافتند، بطوریکه در سال ۱۹۸۱ تعداد شرکت‌های خصوصی به بیش از یک میلیون بالغ گشت. اما بطور کلی می‌توان گفت کشور چین دارای اقتصاد برنامه‌ای است و برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف و هماهنگی آنها بوسیله دولت صورت می‌گیرد. البته بسیاری از سیاست‌هایی را که مائو اعمال کرده بود اساساً "تغییر کرده است. از جمله آنکه سرمایه‌گذاران خارجی بویژه از سوی ایالات متحده آمریکا، ژاپن و اروپای غربی ابعاد گسترده‌تری یافته است. همچنین تحولاتی در سیستم بوروکراتیک این کشور انجام شده و بر اساس آن به کارمندان جزئیات بیشتری داده شده و عامل انگیزه نفع شخصی برای افزایش سطح تولید و ارتقاء کیفیت کالاها تا حدودی مورد قبول واقع گشته است.

در کشور چین از مدتی قبل اختیارات زیادی به واحدهای تولیدی کشور داده شد تا خود بر کیفیت و کمیت کالاها نظارت کنند. همچنین به آنها اجازه داده شد تا در زمینه قیمت‌ها کنترل محدودی داشته باشند.

آمار اقتصادی راجع به چین تا مدت‌ها بسیار کم بود اما از اوایل دهه ۱۹۷۰ بعضی از ارقام انتشار یافت. در سال ۱۹۷۹ دولت چین برای اولین بار رسماً "برخی از آمار از جمله درآمد ملی را منتشر ساخت (ارقام درآمد ملی بر اساس تعاریف دولتی و بدون در نظر گرفتن استهلاك و خدمات تجاری است) به‌رحال پس از الحاق چین به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی الزام به انتشار ارقام اقتصادی بیشتر شد اما هرگز رسماً "آمار تولید ناخالص داخلی منتشر نشد.

جدول زیر روند تولید ناخالص ملی کشور چین را نشان میدهد:

واحد: میلیار دیوان

سال	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵
تولید ناخالص ملی	۴۵۷ ^(*)	۴۹۴ ^(*)	۵۴۸ ^(*)	۶۳۶ ^(*)	۷۷۸

مأخذ: EIU: The Economist Intelligence Unit, Country Profile, China, North Korea, 1986-87, (London, EIU, Pub. 1986)

* تخمین EIU از محاسبات بانک جهانی .

در سال ۱۹۸۵ اقتصا دکشور بشدت دچار بحران بود. درآ مد ملی یا تولید ناخالص مادی بمیزان ۱۲/۳ درصد افزایش یافت، رشد عرضه پول به ۴۵ درصد رسید و تورم بیش از سه برابر شده و نرخ آن به ۸/۸ درصد بالغ گشت. همچنانکه حساب جاری دچار کسری می شد (در سال ۱۹۸۴ حساب جاری کشور چین دارای مازادی معادل ۲/۵ میلیار دلار آمریکا بود) ذخایر ارزی کشور نیز بسرعت تقلیل می یافت. طبق اطلاعات بدست آمده درآ مد ملی در سال ۱۹۸۵ حدود ۶۷۶/۵ میلیار دیوان (به قیمت های جاری) بوده است. (۱)

طی ده ساله قبل از ۱۹۸۷ ارزش ناخالص تولید بخش کشاورزی بالغ بر ۵ درصد افزایش داشته است. ارزش تولید ناخالص در بخش صنایع چین طی ده ساله قبل از ۱۹۸۷ به دو برابر افزایش یافت، در سال ۱۹۷۹ بیشتر صنایع سبک مورد توجه قرار گرفت اما در سال ۱۹۸۲ صنایع سنگین بصورت غیر قابل انتظاری بمیزان ۹/۳ درصد افزایش یافت. در حالیکه افزایش صنایع سبک بمیزان ۵/۶ درصد بوده است.

درآ مدرانه کشور چین طی سالهای ۸۲-۱۹۵۲ بمیزان متوسط ۴ درصد و طی سالهای ۸۴-۱۹۷۹ بمیزان متوسط ۶/۸ درصد رشد کرد. این

(1) EIU, Country Profile, China, North Korea, 1986-87, P. 18.

رشد سریع نتیجه سیاست‌های اصلاح طلبانه این کشور بویژه در بخش کشاورزی بوده است :

۴۰ درصد از فقیرترین مردم کشور چین ۱۸ درصد کل درآمد شخصی را تصاحب میکنند، ۲۰ درصد از غنی‌ترین مردم ۳۹ درصد و ۱۰ درصد دیگر — از غنی‌ترین مردم ۲۳ درصد از این درآمد را دریافت می‌کنند (ضریب چینی ۵/۳۳ است). علیرغم این واقعیت که توزیع درآمد شهری بمراتب عادلانه‌تر است توزیع کلی درآمد تا حدی غیرمنصفانه‌تر است توزیع درآمد روستایی است. دلیل این امر وجود اختلاف عمیق بین میانگین درآمد های شهر و روستا است. بنا بر این اگرچه مردم شهرها تنها حدود ۱۵ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند ولی حدود نیمی از ۲۰ درصد از ثروتمندترین مردم را در بر می‌گیرند. بهمین ترتیب نیمی از فقیرترین مردم تقریباً "همگی روستایی هستند." (۱)

در کشور چین بخش کشاورزی ۴۵ درصد و صنعت ۴۲ درصد از درآمد ملی را تشکیل می‌دهند. بخش‌های توسعه نیافته تجارت، حمل و نقل و ارتباطات نیز تقریباً "بقیه درآمد ملی چین را در سال ۱۹۸۳ بخود اختصاص می‌دادند. بعد از تنظیم مجدد قیمت‌های ثابت دولتی در پایان سال ۱۹۷۹ و آزاد سازی قیمت محصولات عمده کشاورزی از کنترل دولت، نرخ تورم در سال ۱۹۸۰ استثنائاً "به ۷/۴ درصد افزایش یافته بود. در نتیجه فرم‌های اقتصادی "دنگ شیائوپینگ" سیاست‌های بازار آزاد با لافتن تقاضا، قیمت‌ها نیز افزایش یافت.

از چندی پیش نظام قیمت‌گذاری دوگانه در چین اجرا می‌شود. در این رابطه باید گفت که از فوریه ۱۹۸۵ دولت چین اجازه داده است که کالاهای سرمایه‌ای با دو قیمت متفاوت مبادله شود یکی قیمت دولتی برای

(1) The World Bank, China, Socialist Economic Development,
Washington D.C. The World Bank, 1983.

کالاهایی که از سوی مرکز سهمیه بندی می شود و دیگری قیمت افزون تر در بازار آزاد. هر مؤسسه اقتصادی میزان محصولی را که طبق برنامه ریزی مرکزی تعیین شده است با نظام قیمت گذاری مقطوع دولتی بفروش می رساند و حال آنکه اگر بیش از آن تولید داشته باشد می تواند به عنوان تولید کننده افزون بر برنامه در بازار آزاد بفروشد.

طبق محاسبات منابع رسمی، دستمزدهای واقعی کارمندان شرکت های دولتی بعد از تنزل طی سالهای ۷۵-۱۹۵۸، در سالهای ۸۰-۱۹۷۸ بمیزان متوسط ۲/۹ درصد در سال و طی سالهای ۸۴-۱۹۷۹ بمیزان ۵ درصد در سال افزایش یافت. افزایش دستمزدهای واقعی یک سیاست آگاهانه بود. این افزایش با افزایش اساسی قیمت های پرداختی به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی از سال ۱۹۷۸ به بعد همراه شد. اگرچه دستمزدها طبق استاندارد های غرب هنوز هم بسیار پایین است معذک کارگران از بسیاری از سوبسیدهای که از سوی دولت و کارفرمایان به مسکن، خدمات و مواد غذایی تعلق می گیرد نیز استفاده می کنند.

در دهه ۱۹۵۰ چهار میلیون نفر از مردم چین که در نتیجه تغییر رژیم شغل خود را از دست داده بودند مجدداً اشتغال یافتند همچنین در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ نیروهای جوانی که تمایل به اشتغال داشتند موفق شدند تا مشاغل بدست آورند. البته اشتغال افراد در سالهای اخیر با مشکلات بسیاری که نتیجه انقلاب فرهنگی (۷۶-۱۹۶۶) بود مواجه گردیده است. انقلاب فرهنگی سبب شد که واحدهای تولیدی زیادی تعطیل گردد.

در حال حاضر سه ساله سه میلیون جوان شهری آمادگی خود را برای کار اعلام می کنند. همچنین ۲۰ میلیون نفر از جوانان روستاها را باید در کارهای تولیدی مشغول نمود. مسئله مهم آن است که میانگین تعداد افرادی که وابسته به شاغلین بودند بطور چشمگیری تقلیل یافته است.

قبلاً" در سال ۱۹۴۹ در مناطق شهری یک فرد شاغل سرپرستی ۴/۱۵ نفر را
بعده داشت این رقم در سال ۱۹۸۲ به حدود ۷۳/۷ نفر کاهش یافت و در حال
حاضر در شا نکه های بزرگترین شهر چین هر یک نفر شاغل سرپرستی ۵/۸ نفر
را بعده دارد .

طی انقلاب فرهنگی چین فعالیت های بسیاری که می توانست
نیروهای زیادی را اشتغال بخشد تعطیل شد و بیکاری افزایش یافت .
بعد از سال ۱۹۷۶ نیز که تعداد بسیاری از فارغ التحصیلان متوسطه به شهرها
باز می گشتند بیکاری ابعاد گسترده تری یافت . برخی معتقدند که مدرنیزه
کردن و عدم اشتغال، دو دست آورد توسعه اجتماعی بوده و نتیجه مدرنیزه
کردن، بیکاری است . این فرضیه در مورد بسیاری از کشورهای غربی
صادق است و بیکاری ناشی از رکود اقتصادی در این کشورها طی سالهای
اخیر دلیلی برای مدعا است ولی این تصور در مورد کشور چین اشتباه
است . زیرا در این کشور برای مدرنیزه کردن، روش هایی انتخاب شده که
حتی اشتغال جدید بوجود آورده است . بودجه کشور چین شامل دو قسمت
است . اول بودجه دولت مرکزی و دوم بودجه استانها و دولت های محلی .
منابع درآمد عبارتند از سود و مالیات صنعتی و تجاری که دو منبع اصلی
تامین درآمد دولت هستند . منظور از سود، سود حاصل از فعالیت های
شرکت های دولتی است و هزینه های دولتی شامل اقدامات مربوط به
توسعه اقتصادی، فعالیت های فرهنگی، آموزش، علوم، بهداشت، دفاع
ملی و مخارج سازمانهای اداری است. سیاست مالی چین بر اساس تعادل
بین درآمد و هزینه ها در هر سال مالی فرار دارد .

در پی بوجود آمدن مازاد تجاری کشور چین در سال ۱۹۸۲ این کشور
توانست ذخایر بین المللی خود را افزایش دهد . اما در نتیجه شروع سیاست
درهای باز دولت در اوایل سال ۱۹۸۴، ذخایر بین المللی این کشور طی سال

جدول ترکیب بودجه

واحد: میلیاردهیوان

(۱)	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	
۱۸۶/۴	۱۸۶/۶	۱۴۶/۵	۱۲۴/۹	۱۱۲/۴	۱۰۹		درآمدها: از آن جمله:
۱۵۶/۴	۱۵۳/۴ ^(۲)	۹۳/۸	۷۷/۶	۷۰	۶۳		مالیات
۰۰۰	۴/۴	۲۶	۲۴/۱	۲۹/۷	۳۵/۴		درآمد حاصل از شرکتها
۶	۶/۱ ^(۳)	۲/۲ ^(۳)	۷/۹	۸/۴	۷/۳		قروض
۲۴	۲۲/۷	۲۲/۵	۱۵/۴	۴/۴	۳/۳		سایر
۱۸۶/۴	۱۸۴/۵	۱۵۱/۵	۱۲۹/۳	۱۱۵/۳	۱۱۱/۵		هزینه‌ها: از آن جمله:
							سرمایه‌گذاری
۵۶/۸	۵۸/۴	۴۷/۹	۳۸/۳	۳۰/۹	۳۳/۱		دفاع
۲۰	۱۹/۲	۱۸/۱	۱۷/۷	۱۷/۶	۱۶/۸		فرهنگ، بهداشت و تعلیم و تربیت
۳۵/۷	۳۱/۷	۲۶/۳	۲۲/۴	۱۹/۷	۱۷/۱		اداری
۵۹/۵	۶۲/۱	۴۹/۴	۳۰/۷	۳۸/۹	۳۷/۴		سایر ^(۴)
-	(۲/۱)	۵	۴/۴	۲/۹	۲/۵		کسری (مازاد)

EIU, OP.Cit.

ماخذ:

- ۱- پیش بینی
- ۲- پس از کسری و بسیدها
- ۳- اوراق قرضه
- ۴- شامل اصل و فرع بدهی خارجی به میزان ۵ میلیارد هیوان در سال ۱۹۸۴ و ۴/۱ میلیارد هیوان در سال ۱۹۸۵.

۱۹۸۵ بشدت سقوط کرده و به ۱۲ میلیارد دلار تقلیل یافته محدودیت‌های وارداتی زیادی برای جلوگیری از خارج شدن ذخایر موجود آمده است. اما با اینحال تا سپتامبر ۱۹۸۶ ذخایر را رزخارجی این کشور به ۱۰/۳۷ میلیارد دلار آمریکا کاهش یافته است.

کشور چین تاکنون کمک بلاعوض قابل توجهی از خارج دریافت نکرده است ولی هم‌اکنون کمک‌های جزئی بسرعت در حال افزایش است. عضویت این کشور در سازمانهای چند جانبه (از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) سبب شده که پرداخت کمک به این کشور افزایش یابد. کشورهای توسعه یافته بویژه ژاپن قصد دارند با اعطای کمک‌های مالی قراردادهای عمده‌ای با کشور چین منعقد کرده و باین وسیله حجم مبادلات خود با چین را افزایش دهند. از طرف دیگر خود کشور چین نیز در مقیاس کوچکی، یکی از کمک‌دهندگان به کشورهای جهان سوم است.

یکی از ابعاد مهم لیبرالیسم و برنامه‌های توسعه کشور چین، از سال ۱۹۷۹، اتخاذ سیاست درهای باز در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی بوده است. در این رابطه یک سری اقدامات جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی برای شتاب بخشیدن به امر توسعه بویژه جهت استفاده از تکنولوژی خارجی بعمل آمده است که اولین آنها تصویب قانون پروژه‌های مشترک در سال ۱۹۷۹ بوده است.

برقراری معافیت‌های مالیاتی و صرف نظر کردن از دریافت عوارض گمرکی بر واردات تجهیزات و نهادهای مورد استفاده در پروژه‌های مشترک از اینگونه اقدامات بوده است. تسهیلات بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌هایی در چهار ناحیه ویژه اقتصادی بنامهای شن‌زن (Shenzhen)، زوهای (Zhuhai) و شان‌تو (Shantou) در ایالت گوانگ‌دونگ (Guangdong) و زیامن (Xiamen) در ایالت فوجیان

(Fujian) نیز بوجود آمده است . علی‌رغم اقدامات دولت ، سرمایه - گذاری خارجی در چین با سرعتی که انتظار میرفت رشد نکرده است . بهمین دلیل در اکتبر ۱۹۸۶ اِتدا بیز جدیدی برای کمک به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌گذاری های خارجی اتخاذ گردید .

بطور کلی اقتصاد چین از سال ۱۹۷۵ بسمت اقتصاد آزاد سوق پیدا نمود ، بطوریکه هم اکنون مشارکت با شرکت های خارجی و گرفتن وام های خارجی دیگر ممنوعیت نداشته بلکه مورد تشویق نیز می باشد . حتی مناطقی را برای تجارت آزاد تخصیص داده اند تعداد این مناطق قبلاً " چهار منطقه بوده است که چندی قبل بدنبال گردهمایی مقامات عالی رتبه چینی بمنظور تعیین خط مشی توسعه اقتصادی شهرهای ساحلی به تصویب رسید شهرهای دیگری نیز جزو مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاری های خارجی در صنایع اعلام گردید . برخی از نواحی جدید عبارتند از اولیان ، کین هوانگ دائو ، تیان جین ، یالتای ، کینگ دائو ، لیان ، یوگانگ ، تینگ بو ، فوجولنگ جیانگ و ژین های . این مناطق بعلت دارا بودن قوانین خاص بخود و خود مختار بودن و انعطاف قوانین و بالاخره بازار خوب چین ، سرمایه‌گذاران را بسمت خود جذب می نماید ، لذا سیستم مدیریت کمونیستی بتدریج در حال تحلیل رفتن است بنحوی که حتی ایجاد شرکت های خصوصی برای بالابردن سطح زندگی تشویق می گردد . کشور چین در حال حاضر عضو سازمان ملل متحد ، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است .

این کشور در سال ۱۹۸۴ نقش ناظر را در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بعنوان مقدمه ای جهت عضویت کامل پذیرفته و در ژوئیه ۱۹۸۶ رسماً "عضو این سازمان شد . بعلاوه کشور چین عضو کامل بانک توسعه آسیایی شده و بعد از ایالات متحده و ژاپن مقام سوم را از نظر تعهد سرمایه

کشاورزی

oooooooooooo

برای تغییر سیستم کشاورزی چین در سال ۱۹۵۸ ولین کمون تاسیس گردید . کمون ها که در حقیقت نقش شرکت های تعاونی را به عهده دارند به گروه های تولیدی متعددی تقسیم می شوند . پس از اعلام اصلاحات و آزادی های اقتصادی دولت در سال ۱۹۷۹ کشاورزان از آزادی های بی در کشت محصولات و فروش مقداری از آن در بازار آزاد برخوردار شده اند . در واقع از آن زمان به بعد علاوه بر افزایش سطح درآمد دهقانان به بازده بخش کشاورزی نیز افزوده شده یعنی از ۳ درصد افزایش در سال های ۷۷-۱۹۵۷ به ۵/۶ درصد افزایش در سال های ۸۱-۱۹۷۷ رسیده است .

از کل مساحت چین ۱۱۰ میلیون هکتار به کشت غلات اختصاص دارد که این رقم ۸۰ درصد کل زمین های مزروعی را تشکیل می دهد . گندم ، جو ، ذرت و ارزن پس از برنج مهمترین انواع غلات تولیدی چین می باشند . در مورد محصولات که دارای مصارف صنعتی هستند درجه اول پنبه قرار دارد . دانه های روغنی ، ابریشم ، نیشکر و چغندر قند ، چای ، توتون ، کنف و چتایی سایر محصولات کشاورزی چین می باشند . چین بزرگترین تولید کننده توتون در جهان است .

با وجود آنکه تولید غلات در حد بسیار بالایی است ، معذک بسیار توجه به جمعیت فوق العاده کشور برای تغذیه کافی افراد ، دولت چین ناگزیر از وارد کردن غلات مورد نیاز است . در واقع این کشور پس از شوروی و ژاپن سومین وارد کننده عمده غلات می باشد . آمریکا ، استرالیا ، کانادا و آرژانتین بزرگترین کشورهای صادر کننده غلات به چین هستند .

کشاورزی سنتی چین بعلت زمین های وسیع و منابع فراوان و تولیدات انبوه بسوی مدرنیزه شدن پیش می‌رود. در زمان مائودهقانسان در "گمون های توده‌ای" تحت مدیریت واحدی قرارداداشتند و آنها می‌خواستند که بدون چون و چرا گندم‌کاری را محور کار خود قرار دهند. اما امروزه دوباره واحد بهره‌برداری خانوادگی بصورت سیستم تولیدی که نام آنرا "مسئولیت" گذاشته اند رایج شده است. طبق این سیستم کلیه افراد خانواده در یک قطعه زمین که در اختیار آنها گذاشته می‌شود کار کرده و بهره‌برداری می‌نمایند و همگی خود را به آن وابسته می‌دانند. آنها با دولت قرارداد می‌بندند و فقط درصدی از تولیدات را به دولت داده و از آن مقدار هر چه زیاده تر تولید کنند بخودشان تعلق می‌گیرد. تولیدات بسیار متنوع است و هر گونه تولید فوق العاده تشویق می‌شود. در فوجیان ۱۵ درصد زمین‌ها نیز بصورت خصوصی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در سیستم "مسئولیت" و پیمانکاری عوامل اصلی تولید مانند حق استفاده از زمین متعلق به کشاورزان است. مدیریت کار توسط خانوار اعمال می‌شود. در واقع تحت یک سیستم برنامه‌های نحوه کاربرد ماشین آلات و ادوات و حفاظت از آب و خاک تعیین می‌گردد. زارعین حق استفاده و بهره‌برداری از زمین را داشته‌ولی نمی‌توانند زمین در اختیار خود را فروخته، اجاره داده و یا به شخص دیگری منتقل نمایند. زارعین بایستی قسمتی از محصول خود را به دولت داده و در مقابل نهاده‌ها تیکه می‌گیرند قیمت آنرا عودت داده پس از وضع این پرداخت‌ها نسبت به بقیه که متعلق به آنهاست حق هر نوع دخل و تصرف و اعمال مالکیت را دارند. این نظام با نظامی که قبلاً "حاکم و (در واقع قبل از نهضت تعاونی) بصورت مالکیت خصوصی زمین بوده است متفاوت می‌باشد. در واقع این نظام وحدت اقتصاد را حفظ کرده و حداکثر قابلیت انعطاف را در مدیریت

وکار به زارع اعطای نماید .

بعد از بکار گرفتن سیستم تولیدی تقسیم مسئولیت و یا نظام پیمانکاری اختلاف بین درآمدخانواریها بوجود آمد و بعضی از خانوارها تقریباً " شش برابر دیگری درآمد بدست آوردند ، لکن این اختلاف بخاطر آنکه زارعی دارای عواملی از تولید و متعلق به خود زارع دیگر فاقد این عوامل باشد و یا زارعی اقدام به بهره‌کشی دیگری کرده و زارع دیگری خود مستقیماً " کار کرده باشد نبوده است .

سهم بخش کشاورزی در درآمد ملی این کشور از ۳۵/۴ درصد مربوط به سال ۱۹۷۸ به ۳۹ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۴۴ درصد در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است . این افزایش از یکسوم معلول تاثیرات اصلاحات اقتصادی (از جمله افزایش قابل توجه قیمت‌های تولیدکننده) بر بارزده محصولات کشاورزی و از سوی دیگر معلول تعدد درو به افزایش شرکت‌های صنعتی (غالباً " اشتراکی) مستقر در مناطق روستایی است که تولید آنها تا سال ۱۹۸۵ در چارچوب کشاورزی طبقه‌بندی می‌شده است .

سهم بخش کشاورزی در درآمد ملی

واحد: میلیون ریال به قیمت‌های جاری

۱۹۸۵	درصد سهم	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	درصد سهم	۱۹۸۰	
۶۷۶/۵	۱۰۰	۵۶۴/۳	۴۷۲	۳۲۶/۱	۳۹۴	۱۰۰	۳۶۸/۸	درآمد ملی
۰۰۰	۴۲/۳	۲۵۰	۲۰۹/۷	۱۸۶/۸	۱۶۴	۳۹/۱	۱۴۳/۲	بخش کشاورزی

EIU, OP-C&E.

مأخذ:

کانونی که بهره برداری از زمین در حول آن سازمان می‌یابد هم‌اکنون "گروه" است که عمدتاً "عبارتست از یک دهکده و این گروه است که با سازمان های تجاری قراردادهای خرید ملزومات کشاورزی (کود، بذرها و سموم نباتی) و قراردادهای فروش تولیدات بهره برداری اشتراکی را منعقد می‌سازد و بالاخره میان اعضای گروه است که درآمدهای کار مشترک بصورت پول و یا جنس توزیع می‌گردد.

همان طور که انتظار می‌رود این توزیع در آمد بدون بروزدشواری به سرانجام تمیر سد و اطمینانی به این نیست که این کار به نحو رضایت بخشی به سامان رسد. کشاورزان مانند کارگران مزارع دولتی دستمزد بگیر نیستند و در آمدشان تابع عوامل حجم کلی تولید است. غله‌ای که بیش از همه در چین کاشته می‌شود برنج است، که زراعت آن به جانب شمال توسعه می‌یابد. تولید گندم با وجودی که در پیشرفت است از لحاظ اهمیت بهیچ وجه با برنج قابل قیاس نیست. این غله در مساحتی کمتر از ۱۵ درصد سطح زیر کشت برنج کاشته می‌شود و بازدهی بسیار ضعیفی دارد.

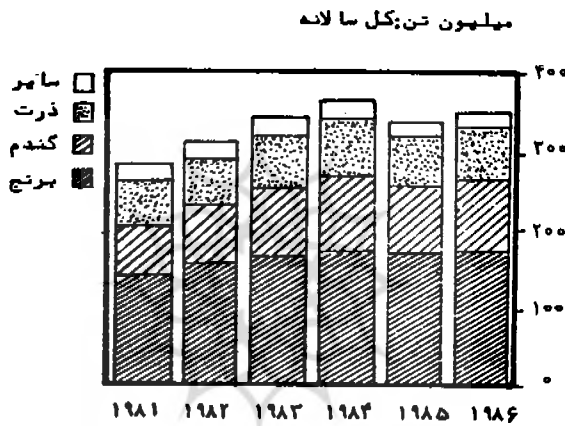
اساسی ترین کشت های صنعتی پنبه است و تولید آن برای رفع نیازهای جمعیتی که در سراسر این سرزمین و حتی در شمال برای تهیه لباس جزپارچه های پنبه ای بکار نمی‌برند کفایت می‌کند و بخش های آن صادر می‌گردد. بازده متوسط تولید و شپنبه در چین از یک تن در هکتار تجاوز نمی‌کند و این میزان از میزان بازده پنبه در اتحاد شوروی (۲ تن در هکتار) به مراتب کمتر بوده است.

دامپروری در چین علاوه بر اهمیت داخلی، در بازارهای جهانی نیز از مقام مهمی برخوردار است عمده ترین محصولات صادراتی دامی پوست (سالامبور)، موی گراز، غلافهای مخصوص سوسیس و کنسروهای گوشتی می‌باشند که سهم بالایی از بازارهای جهانی را بخود اختصاص

می دهند .

از لحاظ تنوع درختان جنگلی، چین یکوا بزرگترین کشورهای جهان بحساب می آید از ۵۰۰۰ نوع گیاهان چینی که می توان از چوب آنها استفاده نمود از ۲۸۰۰ نوع آن تیروالوار بدست می آید که از این ۲۸۰۰ نوع ۱۰۰۰۰ نوع آن ارزش اقتصادی بسیار زیادی دارند و نزدیک به ۱۰۰ نوع از آنها از انواع دارای رشد سریع هستند .

نمودار شماره ۱- تولید غلات



مأخذ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
EIU, OP.Cit.
نمودار شماره ۲- خالص واردات غلات

